



۱۶

آموزش سواد مالی - سطح دو
دوره‌ی دوم دبستان

دکه‌ی لیمونادفروشی







قلکمان هم خالی شده.»
 متیو جواب داد: «من می دانم چطوری پول درآوریم، بیایید لیموناد
 بفروشیم.»

۷

اعضای «باشگاه بچه های خیابان نارون» حسابی پکر بودند.
 مگ با حالی گرفته گفت: «باشگاهمان در حال فرو ریختن است و

۶



شری گفت: «من می‌توانم یک نمودار میله‌ای درست کنم. تعداد لیوان‌های فروخته شده را این جوری کنار برگه تا بالا می‌نویسم. روزهای هفته را هم این شکلی زیر برگه نشان می‌دهم.»

دنی گفت: «مطمئنم اگر به مدت یک هفته هر روز سی‌چهل لیوان لیموناد بفروشیم، می‌توانیم پول کافی برای تعمیر باشگاهمان جمع کنیم، بیا بعد حساب فروشمان را هم یادداشت کنیم.»



متیو آب لیموترش ها را می گرفت،

مگ مقداری شکر با آن مخلوط می کرد.



دنی داخل پارچ، یخ می ریخت و لیموناد را هم می زد. بعد هم لیوان ها را پر می کرد.

شری هم تعداد لیوان های فروخته شده را یادداشت می کرد.



روز دوشنبه بچه ها دکه ی لیموناد فروشی را نبش خیابان برپا کردند. وقتی مردم از کنار آنها رد می شدند، پتی، طوطی سخن گوی مگ، جیغ جیغ کنان تکرار می کرد: «لیموناد! لیموناد!»



دنی گفت: «بد نیست.»
 و پتی تندتند تکرار می کرد: «بد نیست، بد نیست.»



شری با شادی اعلام کرد: «امروز ۳۰ تا لیوان لیموناد فروختیم، حالا میله‌ی بالای دوشنبه را تا عدد ۳۰ پر می‌کنم.»



متیو آب لیموترش های
بیشتری را گرفت.

مگ شکر بیشتری به آنها اضافه کرد.



دنی آنها را با یخ مخلوط کرد و در لیوان های
بیشتری ریخت.

شری هم تعداد لیوان های فروخته شده
را یادداشت کرد.



سه شنبه پتی بازهم جیغ زد و گفت: «لیموناد! لیموناد!» و آدم های
بیشتری به دکه ی آنها رفتند.



مگ گفت: «اوضاع خوب به نظر می‌رسد.»
 و پتی مدام تکرار می‌کرد: «خوب به نظر می‌رسد، خوب به نظر می‌رسد.»

شری با خوشحالی فریاد زد: «امروز ۴۰ تا لیوان فروختیم. حالا ستون سه‌شنبه را تا عدد ۴۰ پر می‌کنم.
 ستون‌ها نشان می‌دهند که فروشمان دارد بیشتر می‌شود.»



متیو بازهم لیموترش های بیشتری را
آب گرفت.

مگ بازهم شکر بیشتری به آنها اضافه کرد.



دنی آنها را با یخ مخلوط و بازهم
لیوان های بیشتری را پر کرد.

شری هم تعداد لیوان های فروخته شده
را یادداشت کرد.



روز چهارشنبه پتی آن قدر تکرار کرد: «لیمونادا!» که بیشتر اهالی را به
آنجا کشاند.



متیو با صدای بلندی فریاد زد: «عالیه!»
 پتی هم تندتند تکرار کرد: «عالیه! عالیه!»

شری از خوشحالی جیغی کشید و گفت: «وای بچه‌ها! امروز ۵۶ تا
 لیوان فروختیم، پس باید ستون چهارشنبه را یک کمی بالاتر از ۵۰ و
 نرسیده به ۶۰ پرکنم!»



متیو فقط چند تا لیموترش آب گرفت.

مگ هم تنها دو قاشق شکر با آن مخلوط کرد.



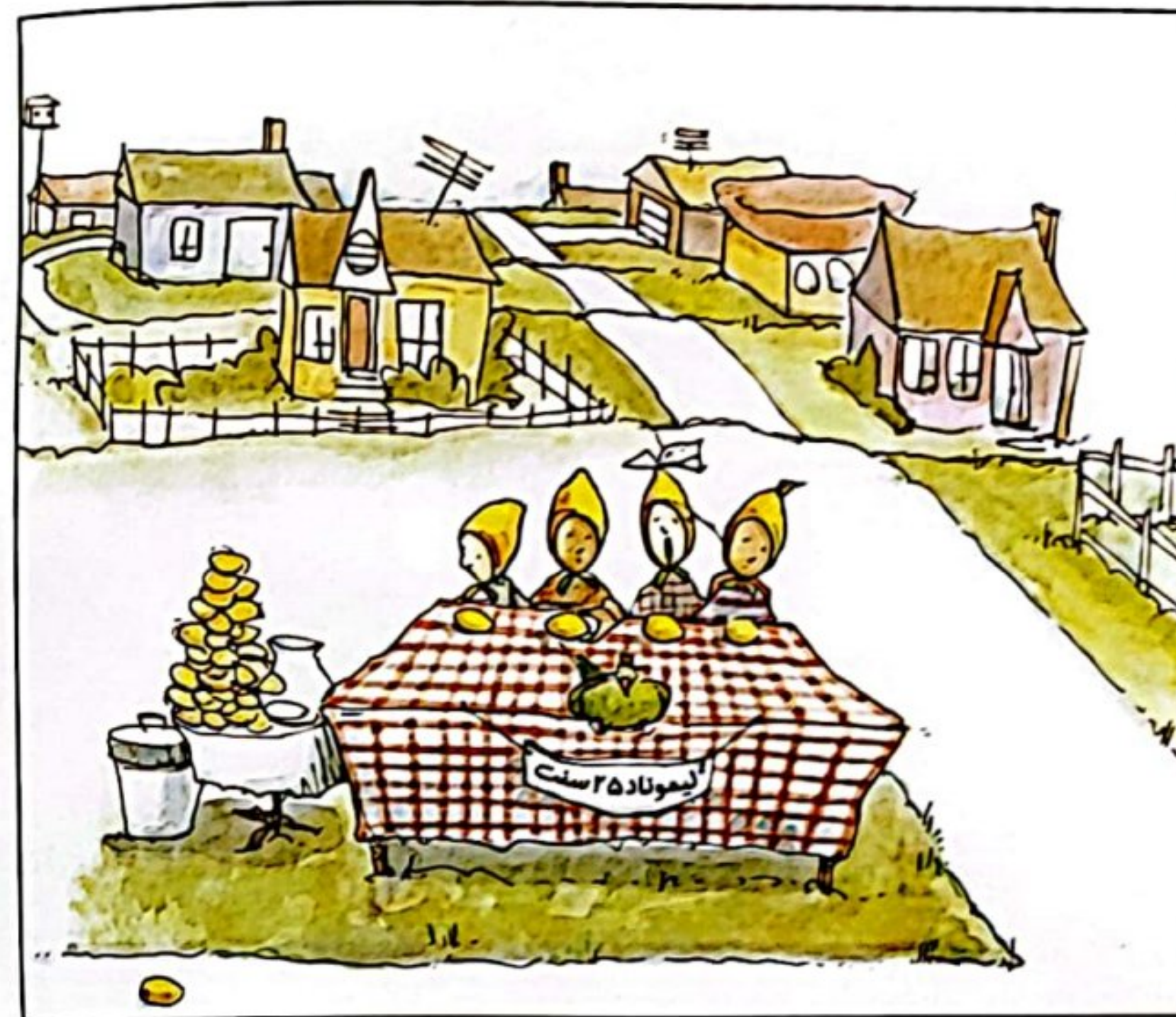
دنی آن قدر منتظر ماند که یخ هایش
آب شدند.



شری هم تعداد لیوان های فروخته شده
را یادداشت کرد که خیلی کم بود.

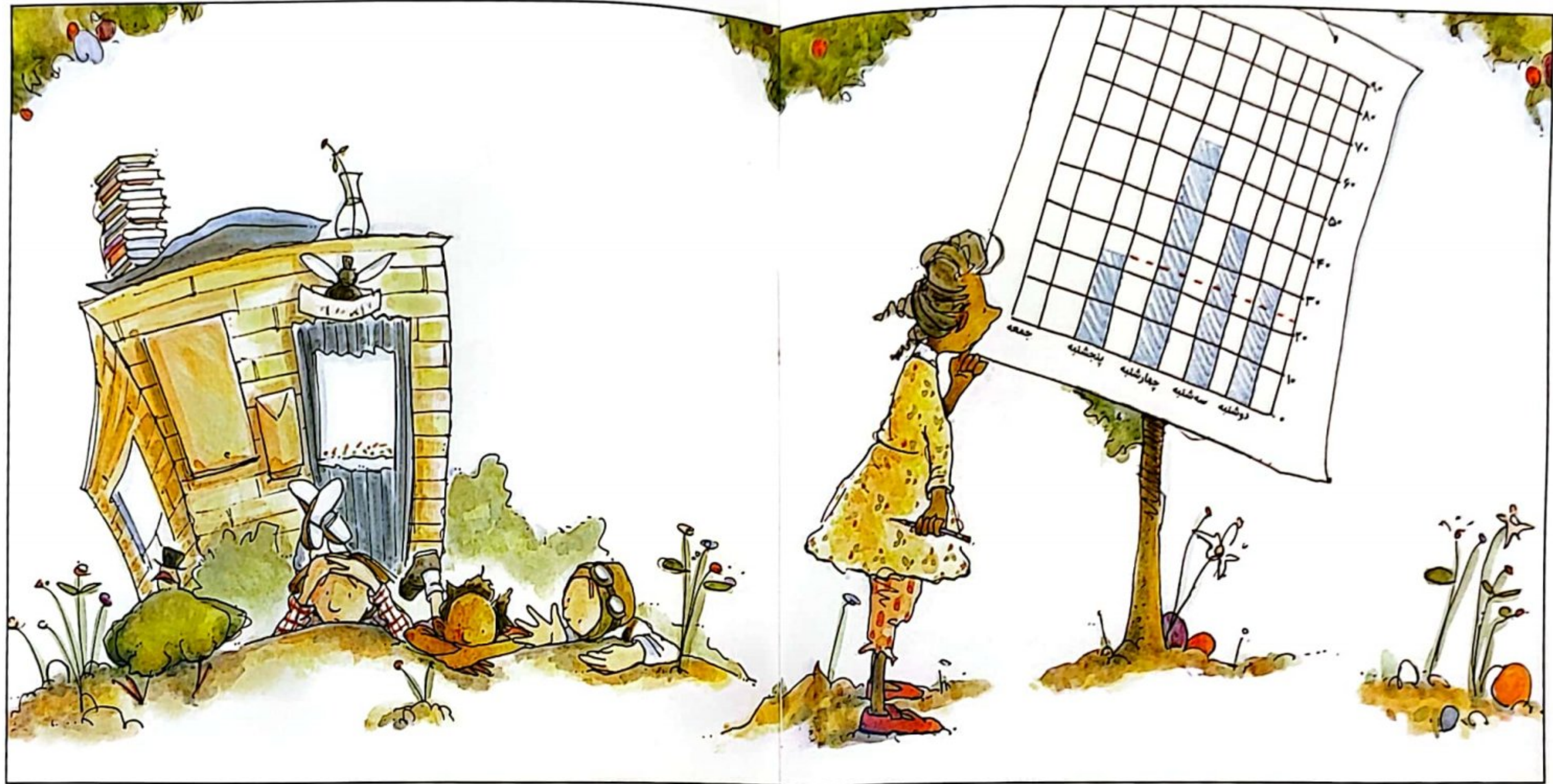


۲۳



بچه ها روز پنجشنبه هم دکه ی لیموناد فروشی را باز کردند. اما یک
جای کار می لنگید. با وجود اینکه پتی مدام جیغ می زد و می گفت:
«لیموناد!» افراد خیلی کمی برای خریدن لیموناد پیش آنها رفتند.

۲۲



دنی با ناراحتی به نمودار نگاه کرد و گفت: «این طوری حتماً باشگاه را
از دست می دهیم.»
پتی حتی یک جیک هم نزد.

شری گفت: «امروز فقط ۲۴ لیوان فروختیم. ستون پنجشنبه از همه ی
روزها پایین تر است.»



مگ گفت: «بچه‌ها، بیایید ما هم برویم و ببینیم چه خبر است.»

متیو گفت: «فکر کنم فهمیدم چه خبر شده، آنجا را نگاه کنید.» بعد به پایین خیابان اشاره کرد و ادامه داد: «یک نفر دارد کنار خیابان شعبده‌بازی می‌کند، همه‌ی مردم رفته‌اند آنجا تا او را تماشا کنند.»



شری که فکری به ذهنش رسیده بود، در گوش چِد چیزی گفت.

دنی از شعبده باز پرسید: «تو کی هستی؟» شعبده باز جواب داد: «اسم من چِد است و تازه به اینجا آمده‌ام.»



متیو یک کامیون لیموترش آب گرفت.

مگ هزار کیلو شکر با آن مخلوط کرد.



دنی یک عالمه یخ در ظرف لیموناد ریخت
و تقریباً همه ی لیوان هایش پر شد.

شری به سختی می توانست تعداد
لیوان های لیموناد فروخته شده را
یادداشت کند.



جمعه شری همراه جد از راه رسید.
او گفت: «قرار است جد دقیقاً کنار دکه ی ما شعبده بازی کند.»
آن روز پتی با صدای بلند داد زد و جد هم شعبده بازی کرد و مردم
بیشتر از همیشه دورشان جمع شدند.

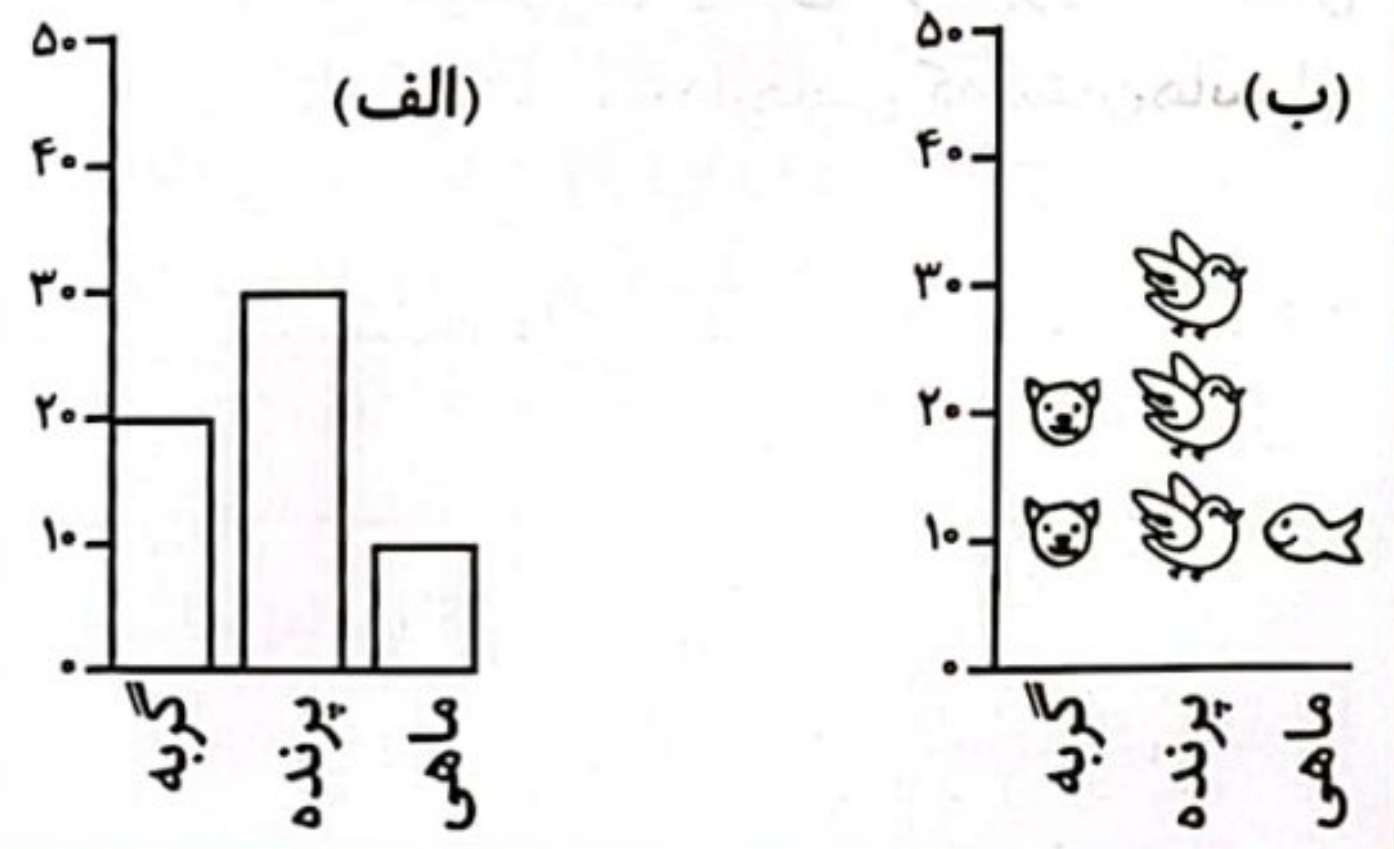


همگی با خوشحالی فریاد زدند: «هورا! هورا!» و بعد از جد پرسیدند:
 «جد، تو هم به گروه ما ملحق می شوی؟»
 جد با خوشحالی جواب داد: «بله، حتماً!» پتی هم مدام تکرار می کرد:
 «حتماً! حتماً!»

«امروز یک عالمه لیموناد فروختیم. آن قدر که فروش امروزمان از
 نمودار بیرون زده.
 حالا پول کافی برای تعمیر باشگاه داریم.»

به کار می روند. تا جایی که امکان دارد، نمونه هایی از نمودارهای میله ای گوناگون جمع آوری کنید و با کودک درباره ی معنی آنها حرف بزنید.

• از چیزهای دنیای واقعی نمودار درست کنید؛ برای مثال، تعداد بچه هایی که در پارک بازی می کنند، تعداد حیوان هایی که از مقابل خانه ی شما می گذرند، تعداد ماشین هایی که در خیابان پارک شده اند و تعداد آنها را به مدت یک هفته هر روز بشمارید و از کودک بپرسید، تعداد بچه هایی که در پارک بازی می کنند، روز دوشنبه بیشتر بود یا شنبه؟ در صبح سه شنبه چند ماشین در خیابان پارک کرده بودند؟ یکشنبه چطور؟ تعداد ماشین ها روزبه روز بیشتر شد یا کمتر؟



پیشنهادی برای بزرگ ترها و بچه ها

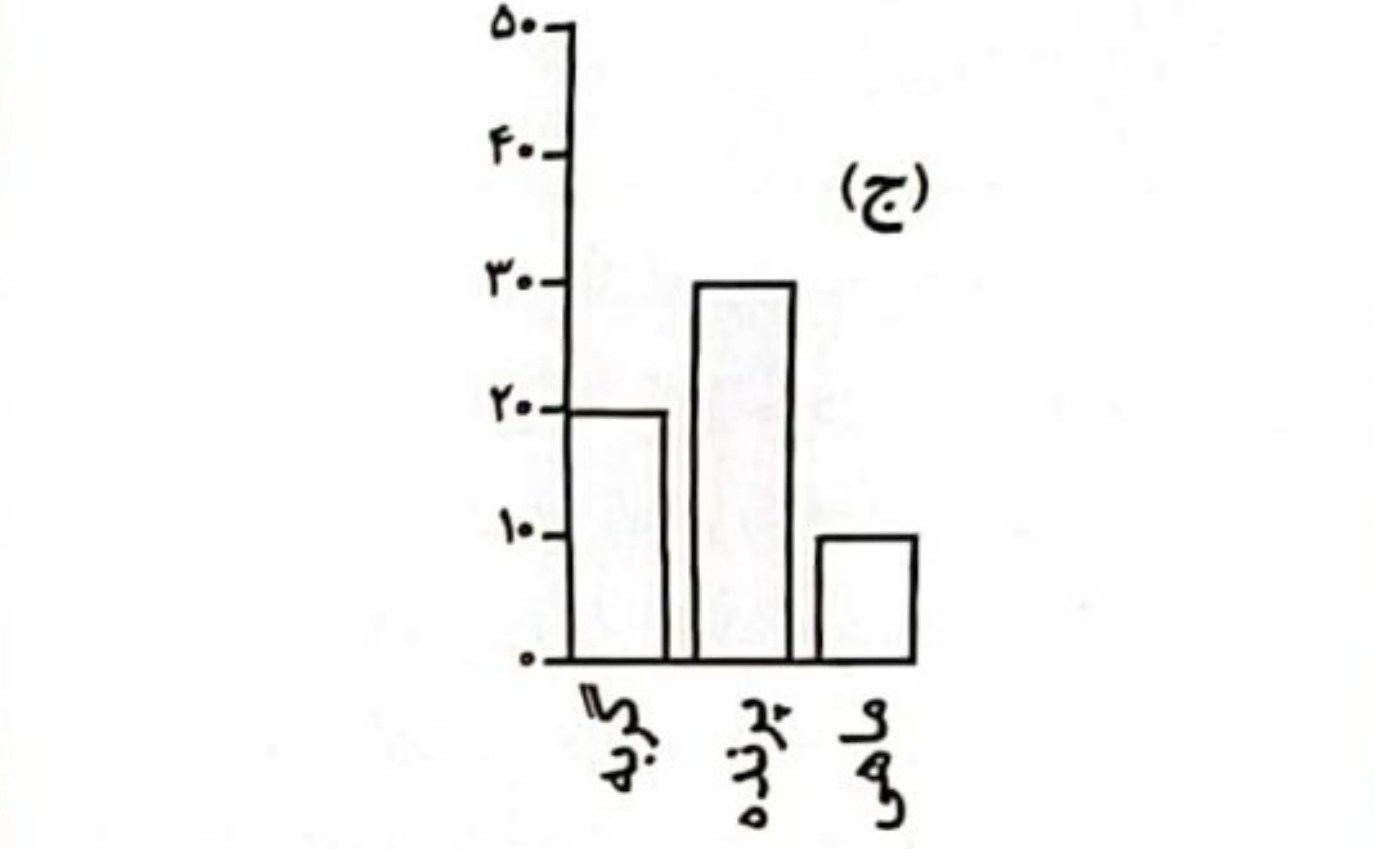
اگر مایلید از مفاهیم ریاضی بیان شده در داستان "دکه ی لیمونادفروشی" بیشتر لذت ببرید، چند پیشنهاد برای شما داریم:

• این قصه را همراه کودک بخوانید و توضیح دهید که در هر تصویر چه اتفاقی افتاده است. با او درباره ی نمودارهایی حرف بزنید که در داستان ترسیم شده اند. درباره ی نمودارها و داستان از کودک سؤال بپرسید؛ برای مثال "در کدام روز تعداد بیشتری لیوان لیموناد فروخته شد، دوشنبه یا سه شنبه؟" یا "در روز چهارشنبه چند لیوان لیموناد فروخته شد؟"

• درباره ی انواع نمودارهای میله ای حرف بزنید که ممکن است کودکان ببینند. نمودارهایی که ستون هایشان کاملاً به هم چسبیده اند؛ مثل تصویر (الف) یا آنهایی که به جای میله، مانند تصویر (ب) تصویر موارد شمارش شده را نشان می دهند. این نمودار اغلب در کتاب های درسی به کار می رود. نمودارهایی که ستون های آن با فاصله از یکدیگر ترسیم می شوند مثل تصویر (ج)، بیشتر در مجلات، روزنامه ها و کتاب ها

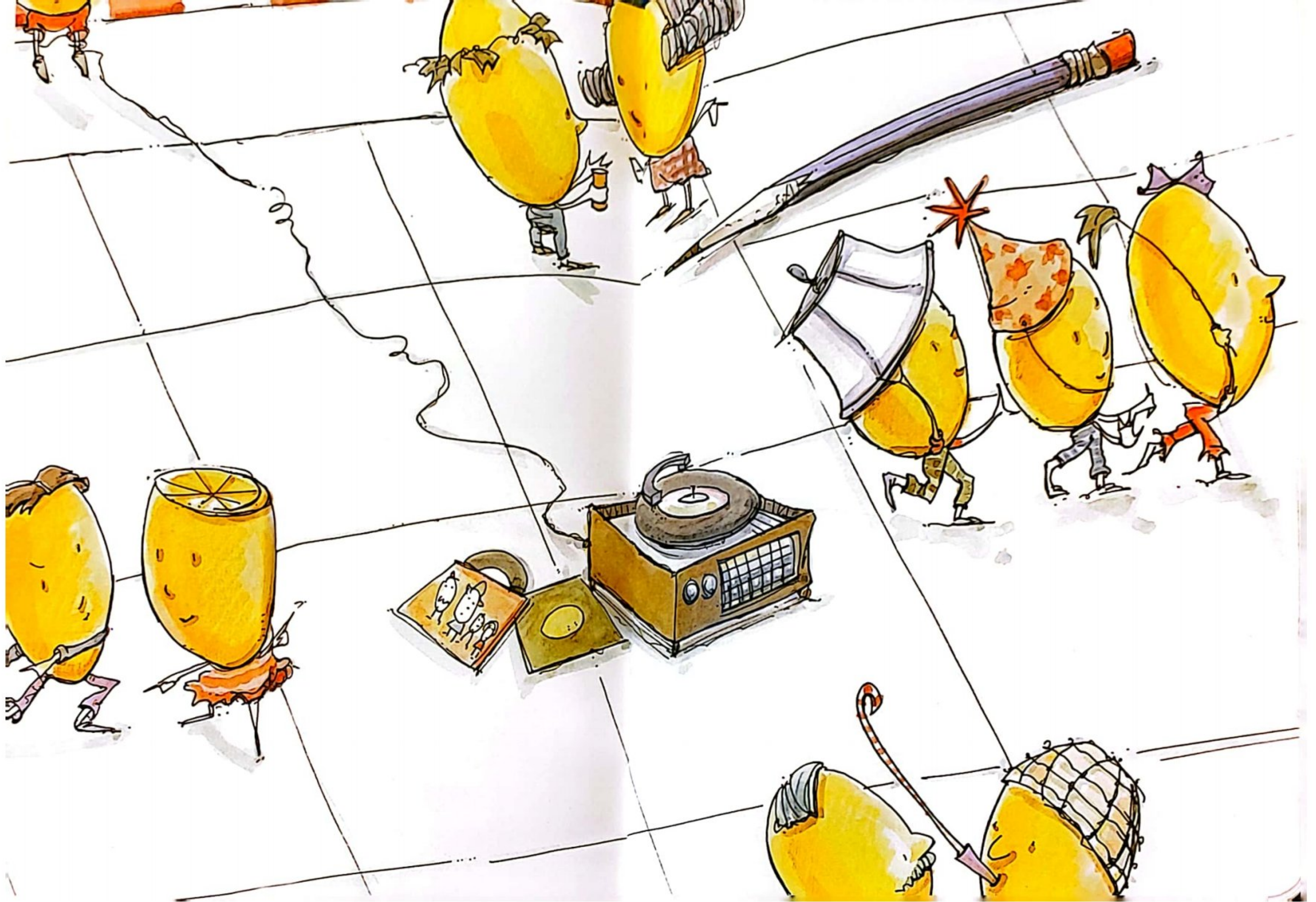
نشان دهید که هر عضو خانواده روزانه دریافت می‌کند، یا تعداد نامه‌هایی را ثبت کنید که هر روز به خانه‌ی شما ارسال می‌شوند. در خانواده‌ی شما چه کسی و در چه روزهایی بیشترین تماس تلفنی را دارد؟ چه روزی بیشترین و کمترین تعداد نامه را دارید؟

- کتاب خواندن: به مدت یک ماه تعداد کتاب‌هایی را که در هر هفته می‌خوانید، روی نمودار ترسیم کنید. کتاب‌ها هفته به هفته بیشتر می‌شوند، کمتر می‌شوند یا ثابت باقی می‌مانند؟ در این باره صحبت کنید که چرا تعداد کتاب‌های مطالعه شده طی یک دوره‌ی زمانی تغییر می‌کند.



در این قسمت فعالیت‌هایی بیان شده‌اند که به شما کمک می‌کنند تا مفاهیم مطرح شده در کتاب "دکه‌ی لیمونادفروشی" را در زندگی روزمره‌ی کودک بسط دهید.

- فروش لیموناد: با گروهی از دوستان یک دکه‌ی لیمونادفروشی برای خود برپا و برای ثبت مقدار فروش، نمودار میله‌ای ترسیم کنید. در چه روزی بیشترین مقدار فروش را دارید؟ کمترین مقدار فروش مربوط به چه روزی است؟ روی نمودار نشان دهید که فروش چه موقع زیاد یا کم شده است؟
- در خانه: با یک نمودار تعداد تماس‌های تلفنی را





۱۱ دوره
ناشر نمونه
کشور
سال های
۷۴،۷۲
۷۹،۷۸
۸۴،۸۳
۹۱،۸۸
۹۵ و ۹۴
۱۳۹۶ و

ناشر برگزیده ۶ دوره

در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد
(آموزش و پرورش)

اگر کمی دقت کنید، می‌بینید لحظه‌های زیادی در زندگی با ریاضی سر و کار دارید. وقت تقسیم بیتزا، خرج پول توجیبی، بازی با کارت و حتی هنگام مرتب سازی جوراب‌ها. شاید باورتان نشود، ولی با کمک همین مفاهیم ساده‌ی ریاضی، می‌توانید وارد دنیای مالی و اقتصادی شوید و با نمودارهای میله‌ای میزان دخل و خرجتان را بسنجید. نمودارهای میله‌ای به شما نشان می‌دهند اوضاع چگونه پیش می‌رود. آیا همه چیز خوب و عالی است، یا اینکه یک جای کار می‌لنگد و یکی از میله‌های نمودار نتوانسته خودش را آن قدر که لازم است بالا بکشد.

جایگاه کتاب در استاندارد آموزش سواد مالی

تصمیم‌گیری مالی	مدیریت ریسک و بیمه	سرمایه‌گذاری	کاربایی و درآمد	اعتبار و بدهی	خرج و پس انداز
برنامه‌ریزی			کسب درآمد		تبلیغات

فینتل
آکادمی
هوش مالی
نسبت طلایی زندگی
www.fintelligence.ir



کتاب‌ها کا بنفتم
واحد کودک و خردسال
موسسه انتشارات قدیانی
www.ghadyani.org
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰

ISBN: 978-600-08-0838-9



9 786000 808389

